



-1

مفهوم کدام بیت با دیگر ابیات متفاوت است؟

- (۱) درنیابد حال پخته هیچ خام
- (۲) طبیب عشق مسیحام است و مشفق، لیک
- (۳) پیش زاهد از رندی دم مزن که نتوان گفت
- (۴) راز درون پرده ز رندان مست پُرس

-2

مفهوم همه‌ی ابیات، به‌استثنای بیت با یک‌دیگر تناسب دارد.

- (۱) درنیابد حال پخته هیچ خام
- (۲) بسیار سفر باید تا پخته شود خامی
- (۳) با نیم‌پختگان نتوان گفت سوز عشق
- (۴) پیر میخانه چه خوش گفت به دُردی‌کش خویش

-3

مفهوم کدام بیت با دیگر ابیات متفاوت است؟

- (۱) ای درد و غم تو راحت دل
- (۲) دردم از یار است و درمان نیز هم
- (۳) هم‌چو نی زهری و تریاقی که دید؟
- (۴) دردی‌ست درد عشق که هیچش طبیب نیست

-4

مفهوم بیت «ما ز دریاییم و دریا می‌رویم / ما ز بالاییم و بالا می‌رویم» با کدام بیت تناسب ندارد؟

- (۱) ماهی از دریا چو در صحرا فتد
- (۲) به اصل باز شود فرع و هست نزد خرد
- (۳) جزو جهان است شخص مردم روزی
- (۴) سیری طلب مکن که کس اندر نشیب خاک

-5

متن زیر با کدام بیت تناسب مفهومی دارد؟

«آن‌چه در این نی آوازی پدید می‌آورد، کشش انسان آگاه به سوی عالم معنا، به سوی پروردگار، به سوی کل و حقیقت هستی است و در حقیقت، این «نی عشق» را پروردگار می‌نوازد و فریاد مولانا هنگامی از نی وجودش برمی‌خیزد که جذبه‌ی حق بر او اثر می‌گذارد.»

- (۱) یار از پرده هویدا شد و یاران غافل
- (۲) ذره‌ی خاکم و در کوی توام جای خوش است
- (۳) شب‌نم از روشن‌دلی آینه‌ی خورشید شد
- (۴) با بال شوق، ذره به خورشید می‌رسد

-6

مفهوم بیت «ما ز دریاییم و دریا می‌رویم / ما ز بالاییم و بالا می‌رویم» با کدام بیت تناسب دارد؟

- (۱) هم‌چو مریم سوی خرمابن رویم
- (۲) ما ز گردون سوی مادون آمدیم
- (۳) برنشین ای عزم و منشین ای امید
- (۴) دود و بویی می‌رسد از عرش غیب

-7

مفهوم عبارت «کُلُّ شَیْءٍ یَرْجِعُ الِیْ أَصْلِهِ» در کدام بیت وجود ندارد؟

- (۱) سیر جسم خشک، بر خشکی فتاد
- (۲) مادر فرزند، جویبان وی است
- (۳) دل تو را در کوی اهل دل کشد
- (۴) جان، گشاده سوی گردون بال‌ها

-8

بیت «درنیابد حال پخته هیچ خام / پس سخن کوتاه باید، والسلام» با کدام بیت ارتباط معنایی ندارد؟

- (۱) سعدی سخن یار نگوید بر اغیار
- (۲) پیر می‌خانه چه خوش گفت به دُردی‌کش خویش
- (۳) فردا به داغ دوزخ ناپخته‌ای بسوزد
- (۴) هر که در آتش نرفت بی‌خبر از سوز ماست

(فارغ از کشور ۹۱)

پس سخن کوتاه باید والسلام
چو درد در تو نبیند که را دوا بکند
با طبیب نامحرم حال درد پنهانی
کاین حال نیست زاهد عالی‌مقام را

(انسانی ۹۰)

پس سخن کوتاه باید والسلام
صوفی نشود صافی تا درنکشد جامی
خام از عذاب سوختگان بی‌خبر بود
که مگو حال دل سوخته با خامی چند

(بان ۹۰)

همم مرهم و همم جراحست دل
دل فدای او شد و جان نیز هم
هم‌چو نی دمساز و مشتاقی که دید؟
گر دردمند عشق بنالد غریب نیست

(ریاضی ۸۸)

می‌تپد تا باز در دریا فتد
مر این حدیث مسلم هم این مثل مضروب (= زده شده)
باز شود جزو بی‌گمان به سوی کل
جز تشنه‌لب نیامد و جز ناشتا نشد

(کمر ۸۸)

«آن‌چه در این نی آوازی پدید می‌آورد، کشش انسان آگاه به سوی عالم معنا، به سوی پروردگار، به سوی کل و حقیقت هستی است و در حقیقت، این «نی عشق» را پروردگار می‌نوازد و فریاد مولانا هنگامی از نی وجودش برمی‌خیزد که جذبه‌ی حق بر او اثر می‌گذارد.»

یوسفی هست دریغاکه خریداری نیست
ترسم ای دوست که بادی ببرد ناگهام
ای کم از شب‌نم، تو هم آینه را پرداز ده
پرواز دل به سوی خدا می‌برد مرا

(هزار ۸۸)

زان که خرمایی ندارد شاخ ببید
باز ما را سوی گردون برکشید
کز رسولانش پیایی شد نوید
ای نهانان سوی سوی آن پربید

(ریاضی ۸۷)

سیر جان، پا در دل دریا نهاد
اصل‌ها مر فرع‌ها را در پی است
تن تو را در حبس آب و گل کشد
تن، زده انسد زمین چنگال‌ها

(ریاضی ۸۷)

هرگز نبرد سوخته‌ای قصه به خامی
که مگو حال دل سوخته با خامی چند
کامروز آتش عشق، از وی نبرد خامی
سوخته داند که چیست پختن سودای خام



-9

مفهوم بیت زیر در کدام گزینه وجود ندارد؟

«درنیابد حال پخته هیچ خام

- ۱) تا نسوزد برنیابد بسوی عود
- ۲) فریاد من از سوختگی هاست چو آتش
- ۳) دردا که بپختیم در این سوز نهانی
- ۴) آتش روی تو زمین گونه که در خلق گرفت

(تبریزی ۸۷)

پس سخن کوتاه باید، والسلام
پخته داند کاین سخن با خام نیست
چون باده ز خامی نبود جوش و خروشم
و آن را خبر از آتش ما نیست که خام است
عجب از سوختگی نیست که خامی عجب است

-10

بیت «بگو ای نای، حال عاشقان را / که آواز تو جان می آزماید» با کدام بیت ارتباط مفهومی دارد؟

- ۱) روزهاگر رفت، گو رو پاک نیست
- ۲) هر که جز ماهی، ز آبش سیر شد
- ۳) نی حدیث راه پر خون می کند
- ۴) تن ز جان و جان ز تن مستور نیست

(هزار ۸۷)

تو بمان، ای آن که چون تو پاک نیست
هر که بی روزی ست، روزش دیر شد
قصه های عشق مجنون می کند
لیک کس را دید جان دستور نیست

-11

بیت «سینه خواهم شرحه شرحه از فراق / تا بگویم شرح درد اشتیاق» با کدام بیت تناسب معنایی ندارد؟

- ۱) پای نهم در عدم بو که به دست آورم
- ۲) حدیث عشق جانان گفتنی نیست
- ۳) کجاست هم نفسی تا به شرح عرضه دهم
- ۴) دردی نبوده را چه تفاوت کند که من

(فاری از کشور ۸۷)

هم نفسی تا کند درد دلم را دوا
و گر گویی کسی هم درد باید
که دل چه می کشد از روزگار هجرانش
بیچاره درد می خورم و نعره می زنم

-12

بیت «زمانه گر بزند آتش به خرمن عمر / بگو بسوز که بر من به برگ کاهی نیست» با کدام بیت ارتباط معنایی دارد؟

- ۱) بگفتم روز بی گاه است و ره بس دور، گفتارو
- ۲) در غم ما روزها بی گاه شد
- ۳) روزهاگر رفت، گو رو، پاک نیست
- ۴) طوفان نوح را به نظر درنیآورد

(فاری از کشور ۸۶)

به من بنگر به ره منگر که من ره را نوردیدم
روزها با سوزها همراه شد
تو بمان، ای آن که چون تو پاک نیست
شور محبتی که در آب و گل من است

-13

«آن را که خبر شد، خبری باز نیامد» با همه ی ابیات، به جز بیت قرابت مفهومی دارد.

- ۱) محرم این هوش جز بی هوش نیست
- ۲) سخن مانند از تو همی یادگار
- ۳) کسی را در این بزم ساغر دهند
- ۴) از تن دوست در سرای مجاز

(تبریزی ۸۵)

مر زبان را مشتری جز گوش نیست
سخن را چنین خوارمایه مدار
که داروی بی هوشی اش در دهند
جان برون آید و نیاید راز

-14

مفهوم بیت «خلق چو مرغابیان زاده ز دریای جان / کی کند این جا مقام مرغ کز آن بحر خاست» کدام است؟

- ۱) به صوت خوش چو حیوان است مایل
- ۲) تن ز جان و جان ز تن مستور نیست
- ۳) هر کسی کلاه دور مانند از اصل خویش
- ۴) کبوتری که دگر آشیان نخواهد دید

(انسالی ۸۳)

ز حیوان کم نشاید بودن ای دل
لیک کس را دید جان دستور نیست
بازجوید روزگار وصل خویش
قضا همی بردش تا به سوی دانه و دام

-15

در همه ی ابیات، به جز بیت کلمه ای وجود دارد که به شیوه ی نمادین و تمثیلی، بر عاشق و عارف واصل دلالت می کند.

- ۱) درنیابد حال پخته هیچ خام
- ۲) سینه خواهم شرحه شرحه از فراق
- ۳) محرم این هوش جز بی هوش نیست
- ۴) هر که جز ماهی، ز آبش سیر شد

(زیاضی ۸۱)

پس سخن کوتاه باید، والسلام
تا بگویم شرح درد اشتیاق
مر زبان را مشتری جز گوش نیست
هر که بی روزی ست، روزش دیر شد

-16

مفهوم بیت «سر من از ناله ی من دور نیست / لیک چشم و گوش را آن نور نیست» با کدام گزینه متناسب است؟

- ۱) حال من اکنون برون از گفتن است
- ۲) ای گل فروش، گل چه فروشی به جای سیم
- ۳) گفت: آن یار کز او گشت سر دار بلند
- ۴) رنگین سخنان در سخن خویش نهانند

(پان ۸۱)

این چه می گویم نه احوال من است
وز گل عزیزتر، چه ستانی به سیم گل
جرمش این بود که اسرار هویدا می کرد
از نکبت خود نیست به هر حال جدا گل

-17

در کدام گزینه «تضاد» وجود ندارد؟

- ۱) من به هر جمعیتی نالان شدم
- ۲) درنیابد حال پخته هیچ خام
- ۳) همچو نی زهری و تریاقی که دید
- ۴) سینه خواهم شرحه شرحه از فراق

(هزار ۷۹)

جفت بد حالان و خوش حالان شدم
پس سخن کوتاه باید، والسلام
همچو نی دمساز و مشتاقی که دید
تا بگویم شرح درد اشتیاق



- 18- مفهوم سخن مشهور «كُلُّ شَيْءٍ يَرْجِعُ إِلَى أَصْلِهِ» با کدام گزینه متناسب است؟ (سنجش ۹۰)
- (۱) تو از خاکی، به سانِ خاک تن درده در این پستی
(۲) بدین زور و زر دنیا چو بی‌عقلان مشو غرّه
(۳) پس اکنون گر سوی دوزخ گرایی بس عجب نبود
(۴) سر البارسلان دیدی ز رفعت رفته برگردون؟
- مولوی در کدام بیت می‌گوید که «هر کس از عشق بی‌بهره باشد، روزگارش تباه و بیهوده می‌شود.»؟ (سنجش ۸۸)
- (۱) نی، حریف هر که از یاری برید
(۲) در غم ما روزها بی‌گاه شد
(۳) هر که جز ماهی، ز آبش سیر شد
(۴) محرم این هوش جز بی‌هوش نیست
- 20- «نی‌نامه»ی مولانا به‌رغم آن که به نیایش‌های متداول و مرسوم شبیه نیست، از این نظر نوعی نیایش تلقی شده است که (سنجش ۸۶)
- (۱) توجّه به حق در تاروپود آن نهفته است.
(۲) در عین دردآفرینی درمان‌بخش نیز هست.
(۳) تنها با چشم و گوش دل می‌توان آن را درک کرد.
(۴) در قالب مثنوی است و از تقید به ردیف و قافیه آزاد است.
- 21- مفهوم بیت «من به هر جمعیتی نالان شدم / جفت بدحالان و خوش حالان شدم» ناظر به کدام ویژگی نمادین «نی» است؟ (سنجش ۸۴)
- (۱) انحنای (۲) انحصار (۳) انعطاف (۴) انعکاس
- 22- با توجّه به بیت «به راه اندر شتاب تو چنان باد / که گردت را نیابد در جهان باد» کدام گزینه نادرست است؟ (سنجش ۸۴)
- (۱) بیت ردیف دارد.
(۲) آرایه‌ی کنایه در بیت وجود دارد.
(۳) آرایه‌ی جناس تام در بیت مشاهده می‌شود.
(۴) هر دو کلمه‌ی پایانی مصراع‌ها کلمات قافیه‌اند.
- 23- همه‌ی کلمه‌ها در نی‌نامه‌ی مولوی، به‌جز کلمه‌ی اشاره به «عارف واصل و عاشق هجران‌دیده» است. (سنجش ۸۳)
- (۱) نی (۲) ماهی (۳) هوش (۴) بی‌هوش
- 24- در همه‌ی گزینه‌ها، به‌جز گزینه‌ی به دردآشنایی عارف دل‌سوخته اشاره شده است. (سنجش ۸۶)
- (۱) هر کسی از ظنّ خود شد یار من
(۲) هر که جز ماهی ز آبش سیر شد
(۳) سینه‌خواهم شرحه‌شرحه از فراق
(۴) محرم این هوش جز بی‌هوش نیست
- 25- کدام گزینه بیان‌گر مفهوم درست بیت «نی، حریف هر که از یاری برید / پرده‌هایش پرده‌های ما درید» است؟ (سنجش ۸۶)
- (۱) نی با نغمه‌های سوزناک خود، اسرار نهفته‌ی عاشق ناکام را فاش می‌کند.
(۲) نوای نی، رقیب عاشقان ناکام است و رازشان را افشا می‌کند.
(۳) ناله‌ی نی پرده‌ها را کنار می‌زند و عاشق و معشوق را در جمع رسوا می‌کند.
(۴) نی با عشق همراهی و هم‌دردی می‌کند و مانند او به ناله و فریاد می‌پردازد.
- 26- در کدام گزینه آرایه‌ی «جناس» وجود دارد؟ (سنجش ۸۱)
- (۱) پرده‌هایش پرده‌های ما درید (۲) تن ز جان و جان ز تن مستور نیست (۳) محرم این هوش جز بی‌هوش نیست (۴) هر که جز ماهی ز آبش سیر شد



- 27- مفهوم کدام بیت با توجّه به آیه‌ی شریفه‌ی «تَعَزُّ مِنْ تَشَاءٍ وَ تُذِلُّ مِنْ تَشَاءٍ» متفاوت است؟ (ریاضی ۹۰)
- (۱) یکی را همی تاج شاهی دهد
(۲) یکی را که در بند بینی مخند
(۳) یکی را دهد تاج و تخت بلند
(۴) یکی را ز ماهی رساند به ماه
- یکی را به دریا به ماهی دهد
مبادا که روزی درافتی به بند
یکی را کنند خوار و زار و نزنند
یکی را ز مه‌اندر آرد به چاه
- 28- به مضمون آیه‌ی «تَعَزُّ مِنْ تَشَاءٍ وَ تُذِلُّ مِنْ تَشَاءٍ» در کدام بیت اشاره نشده است؟ (انسانی ۸۸)
- (۱) کلاه سعادت یکی بر سرش
(۲) ادیم (= سفره‌ی) زمین سفره‌ی عام اوست
(۳) یکی را به سر بر نهد تاج بخت
(۴) گلستان کند آتشی بر خلیل
- گلیم شقاوت یکی در برش
بر این خوان یغما چه دشمن چه دوست
یکی را به خاک اندر آرد ز تخت
گروهی بر آتش برآید ز آب نیل



(هلا ۸۶)

29- مفهوم آیهی «تَعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ» با کدام بیت متناسب است؟

- (۱) آن‌کس را کردگار کرد عزیز
(۲) آن‌کس خود را شناخت نتواند
(۳) آن‌کس عیب تو گفت، یار تو اوست
(۴) آن‌کس را با طمع سروکار است
- نتواند زمانه خوار کند
آفریننده را کجا دانند
و آن‌کس پوشیده داشت، مار تو اوست
گر عزیز جهان بود خوار است

آزمایشی سنجش



(سنجش ۸۷) (شش ۹۰)

30- همهی ابیات زیر اشاره به «ناتوانی انسان از شناخت خداوند» دارند، به جز

- (۱) اگرچه جان ما می‌پی برد راه
(۲) با تقاضای عقل و نفس و حواس
(۳) هرچه را «هست» گفتی از بن و بار
(۴) نه بر اوج ذاتش پرد مرغ و هم
- ولکن گشته او را کیی بر راه؟
کی توان بود کردگار شناس؟
گفتی او را شریک، هُش می‌دار!
نه در ذیل وصفش رسد دست فهم

(سنجش ۸۷) (شش ۸۶)

31- صائب در کدام بیت می‌گوید که «بدبختی‌ها نشان‌گر خشم تو و شادکامی‌ها نشان‌دهنده‌ی لطف تو اند»؟

- (۱) سهل است اگر بال و پری نقصان این پروانه شد
(۲) پیشانی عفو تو را پرچین نسازد جرم ما
(۳) آتش‌فروز قهر تو، آینه‌دار لطف تو
(۴) ای دفتر حسن تو را فهرست خط و خال‌ها
- کآن شمع سامان می‌دهد از شعله زَرین بال‌ها
آینه کی بر هم خورد از زشتی تمثال (=تصویر)‌ها
هم مغرب ادبار‌ها، هم مشرق اقبال‌ها
تفصیل‌ها پنهان شده در پرده‌ی اجمال‌ها

(سنجش ۸۶)

32- مفهوم بیت «همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو ببوشی / همه بیشی تو بکاهی، همه کتی تو فزایی» با کدام بیت تناسب دارد؟

- (۱) مهتـاکنِ روزی مـار و مـور
(۲) بشـر مـاورای جلالش نیافت
(۳) عزیزی که هرگز درش سر بتافت
(۴) یکی را به سر بر نهد تاج بخت
- اگرچند بی‌دست و پایند و زور
بصر منتهای جمالش نیافت
به هر در که شد هیچ عزت نیافت
یکی را به خاک اندر آرد ز تخت

(سنجش ۸۴)

33- کدام گزینه با دیگر گزینه‌ها ارتباط معنایی ندارد؟

- (۱) نه در ایوان قریبش وهم را بار
(۲) تا به جایی رسی که می‌نرسد
(۳) ای برتر از خیال و قیاس و گمان و وهم
(۴) نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی
- نه با چون و چرایش عقل را کار
پای اوهمام و پایهی افکار
وز هرچه گفته‌اند و شنیدیم و خوانده‌ایم
نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی

(سنجش ۸۲ و ۸۳)

34- در همهی گزینه‌ها، به جز گزینه‌ی به یکی از آیات سوره‌ی حمد اشاره شده است.

- (۱) تو نماینده‌ی فضل، تو سزاوار ثنایی
(۲) همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو ببوشی
(۳) ملکا ذکر تو گویم که تو پاکتی و خدایی
(۴) همه درگاه تو جویم همه از فضل تو پویم

نمایش

سراسری



(السانی ۹۱)

35- معنی مقابل چند واژه نادرست است؟

- (مکمل: زینت داده شده)، (مفاوضت: گفت‌وگو)، (بحل کردن: رها کردن)، (نماز پیشین: نماز ظهر)، (همیمه: شیر شرزه)، (صولت: خشمگین)،
(ملهی: آلت لهو)، (کران: حد)

- (۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج

(السانی ۹۱)

36- مضمون همهی ابیات، به استثنای بیت با یک‌دیگر تناسب دارند.

- (۱) دانسی که خبر ز عشق دارد؟
(۲) در ازل بست دلم با سر زلفت پیوند
(۳) عشق من بر گل رخسار تو امروزی نیست
(۴) پیش از آب و گل من در دل من مهر تو بود
- آن کز همه عالمش خبر نیست
تا ابد سر نکشد وز سر پیمان نرود
دیگرگاهیست که من بلبل این بستانم
با خود آوردم از آن‌جا نه به خود بر بستم

37- در کدام گزینه همه‌ی ترکیب‌ها «اضافه‌ی استعاری» اند؟

(هزار ۸۹)

- (۱) خصلت طمع - گردن استکبار - بیابان ضلالت - قالب قصیده
(۲) جام عافیت - پای تعدی - قدر نعمت - تیه گمراهی
(۳) حمله‌ی حسد - پرده‌ی عفاف - لجاج شهوت - حوزه‌ی عاطفی
(۴) فریاد هستی - دامن خاک - روح کلام - صولت خشم

38- مفهوم عبارت «راست باز و پاک باز و امیر باش» با کدام بیت متناسب نیست؟

(فاز از کشور ۸۹)

- (۱) از کجی به کوه روی برتابید
(۲) راستی آور که شوی رستگار
(۳) به از راستی کس ندارد درخت
(۴) راستی کردند و فرمودند مردان خدای
رستگاری ز راستی یابید
راستی از تو ظفر از کردگار
که بارش بهشت است و تاج است و تخت
ای فقیه اول نصیحت گوی نفس خویش را

39- معنی واژه‌های «بیغوله - ملاحی - کتم - انحطاط» به ترتیب کدام است؟

(تله‌بی ۸۷)

- (۱) بی‌فایده - بازیچه - پنهان داشتن - فروآمدن
(۲) بیچارگی - آلات لهو - جهان نیستی - پستی
(۳) ثروت و غنا - نثر مرسل - خیانت و غدیر
(۴) وحشت و هول - اشاعه و ترویج - زریلت اخلاقی

40- در کدام گروه کلمات غلط املائی وجود ندارد؟

(فنی ۸۷، ثبوت عصر)

- (۱) تفهیم و الفا - ختام و پایان - بُعد و قرب
(۲) سطور منظم - گوشه و ببقوله - درنگ و تأنی
(۳) تروت و غنا - نثر مرسل - خیانت و غدیر
(۴) وحشت و هول - اشاعه و ترویج - زریلت اخلاقی

آزمایشی سنجش



41- عبارت «پروردگارا، مگذار که معصیت‌ها را - هر چه هم کوچک باشد - کوچک بشمارم و نسبت به ملاحی و مناهی بی‌پروا باشم» با مفهوم

(سنهش ۹۰)

- کدام بیت تناسب دارد؟
(۱) دردسر کم ده و کم کش ز پی کار جهان
(۲) هم‌چو طوفان رسد آتش به همه روی زمین
(۳) نرم و آهسته به بالینش خرام از سر راه
(۴) بد اندک مشمر خوار که بسیار شود
که نیرزد گله‌ی نرزد خرد درد سری
گر برآرم ز تنور دل سوزان شرری
حلقه‌ی گیسوی مشکینش بجنبان سحر
هست سرمایه‌ی حراق (= سوزاندن) جهانی شرری

42- مفهوم عبارت «الهی، روا مدار که پنهان ما از پیدای ما ناستوده‌تر باشد و در ورای صورت آراسته‌ی ما سیرتی زشت و ناهموار نهفته باشد»

(سنهش ۹۰)

- با کدام بیت تناسب دارد؟
(۱) هم به صورت واله‌ی انوار پیدایت منم
(۲) کنون که صاحب مژگان شوخ و چشم سیاهی
(۳) من غلام نظر آصف عهدم کوا را
(۴) صورت یک‌باره آزادم نمود از قید هستی
هم به معنی واقف اسرار پنهانم تویی
نگاه دار دلی را که برده‌ای به نگاهی
صورت خواجگی و سیرت درویشان است
پی به معنی برده‌ام در عالم صورت‌پرستی

43- در متن «مگذار که صولت خشم، حصار بردباری مرا در هم بشکنند و حمله‌ی حسد، مناعت فطرت مرا به خفت و مذلت فروکشاند. از

حمیت‌های جاهلانه، به تو پناه می‌برم. پروردگارا، روا مدار که سر به دنبال هوس بگذارم و در ظلمات جهل و ضلال، از چراغ هدایت به دور افتم و بیغوله را از شاهراه باز نشناسم. به تو پناه می‌برم که از آن چه نمی‌دانم سخن بگویم و راه‌جویان را در تیه گمراهی و ضلالت سرگردان سازم.» چند غلط املائی وجود دارد؟

(سنهش ۸۹)

- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

44- در متن «مگذار که صولت خشم، حصار بردباری مرا در هم بشکنند و حمله‌ی حسد، مناعت فطرت مرا به خفت و مذلت فروکشاند. پروردگارا،

از خصلت طمع که دناعت آورد و آبرو ببرد، به تو پناه می‌آورم. روا مدار که سر به دنبال هوس بگذارم و در ظلمات جهل و ضلال، از چراغ هدایت به دور افتم و بیغوله را از شاهراه باز نشناسم و نسبت به ملاحی و مناهی بی‌پروا باشم.» املائی کدام واژه غلط است؟

(سنهش ۸۸)

- (۱) دناعت (۲) ضلال (۳) مناعت (۴) فطرت

45- در عبارت «پروردگارا، از خصلت طمع که دناعت آورد و آبرو ببرد، از بدخویی که دل دوستان بشکنند و به دشمنان نشاط و نیرو بخشد، از لجاج

شهوت که همت‌های بلند را پست سازد و پرده‌ی عفاف و عصمت چاک زند، به درگاه تو پناه می‌آورم.» گوینده از چه صفاتی دوری می‌طلبد؟

(سنهش ۸۷)

- (۱) دناعت - دل شکستن - لجاجت
(۲) پست‌همتی - بدخویی - بی‌عفتی
(۳) کم‌همتی - بی‌آبرویی - دشمن‌کامی
(۴) طمع‌ورزی - بدخلقی - شهوت‌طلبی

46- املائی درست واژه‌ها با معانی «غیرت - سرگرمی‌ها - ویرانه - پستی» در کدام گزینه آمده است؟

(سنهش ۸۵)

- (۱) همیت - ملاحی - ببقوله - دناعت
(۲) همیت - ملاحی - ببقوله - دناعت
(۳) حمیت - ملاحی - بیغوله - دناعت
(۴) حمیت - ملاحی - بیغوله - دناعت



- 47- در عبارت «پروردگارا، پناه من بخش تا موجودی خویشتن دوست نباشم.» نویسنده از خدا چه می‌خواهد؟ (سئیش ۸۵)
- (۱) ترک دورویی (۲) ترک تنها زیستن (۳) ترک قناعت و عزّت نفس (۴) ترک خودبینی و خودخواهی
- 48- در کدام گزینه غلط املایی نیست؟ (سئیش ۸۵)
- (۱) هدفشان را همواره یکتاگردان و در سایه‌ی صبر و سولت پیروزشان فرمای.
(۲) پروردگارا، از همیت‌های جاهلانه و عصبیت‌های ناهنجار به تو پناه می‌برم.
(۳) از آن عطایا و مواهب که به خاطرشان در گنجینه‌ی فردوس برین ذخیره نمودی به آنان بنمای.
(۴) خاطرش را از غم زن و فرزند بپرداز تا غم فراغ ایشان دلش را نشکند و عزمش را ضعیف نسازد.
- 49- «راست باز و پاک باز و امیر باش.» با همه‌ی گزینه‌ها، به جز گزینه‌ی ارتباط معنایی دارد. (سئیش ۸۴)
- (۱) گر کجی را شقاوت است اثر (۲) راست زهری ست شکرین انجام
(۳) نقشم از مصلحت چنان آمد (۴) راستی کن که راستان رستند
- 50- مفهوم کدام گزینه با گزینه‌های دیگر متفاوت است؟ (سئیش ۸۶)
- (۱) در ازل پرتو حسنت ز تجلّی دم زد (۲) من خفته بدم به ناز در کتم عدم
(۳) حسنت به ازل نظر چو در کارم کرد (۴) دست از مسی وجود چو مردان ره بشوی
- 51- در کدام گزینه غلط املایی وجود دارد؟ (سئیش ۸۱)
- (۱) مناعت فطرت (۲) حمیت‌های جاهلانه (۳) چهل و ضلال (۴) عصبیت‌های ناهنجار

درس سوم: درک مرید بر ادبیات حماسی



- 52- در همه‌ی ابیات، به جز بیت به زمینه‌ی ملّی حماسه، اشاره شده است. (سئیش ۹۱)
- (۱) همی باسماں شد به پرّ عقاب (۲) به جمشید بر گوهر افشاندند
(۳) چو دید آن درفشان درفش مرا (۴) به ایوان خرامید و بنشست شاد
- 53- با توجه به مفهوم ابیات، در کدام بیت زمینه‌های «داستانی»، «قهرمانی»، «ملّی» و «خرق عادت» در ادبیات حماسی، کاربرد درستی ندارد؟ (سئیش ۸۹)
- (۱) چو پیلای به اسب اندر آورد پای (۲) منی چون بیوسست با کردگار
(۳) بدان گاه سوگند پرمایه شاه (۴) چو او را بدیدند برخاست غو



- 54- در شاهنامه نیز وجود سیمرغ، دیو سپید و عمر هزارساله‌ی زال عناصر و پدیده‌هایی هستند که همچون رشته‌هایی استوار، زمینه‌ی حماسه را تقویت می‌کنند. (سئیش ۸۷ و ۸۹)
- (۱) تخیلی (۲) ملّی (۳) قهرمانی (۴) داستانی
- 55- در همه‌ی گزینه‌ها، به جز گزینه‌ی «هنجارشکنی» وجود دارد و شاعر، آن چیزی را برمی‌گزیند که مرسوم نیست. (سئیش ۸۴)
- (۱) نقصان در این بساط بؤد خوش‌تر از کمال (۲) نشسته‌ایم به خاک سیه ز طبع بلند
(۳) کرم ز بخل به، اما بخیل به ز کریم (۴) از ما طلب یأس کن ای خواجه نه امید
- 56- «زور بازو با قدرت تفکر» بیان‌کننده‌ی کدام یک از ویژگی‌های حماسه است؟ (سئیش ۸۴)
- (۱) زمینه‌ی قهرمانی (۲) زمینه‌ی ملّی (۳) زمینه‌ی داستانی (۴) زمینه‌ی خرق عادت



(سلسله ۸۱)

57- کدام گزینه نمی‌تواند مکمل جمله‌ی روبه‌رو باشد؟ «حماسه به شعری گفته می‌شود که»

- (۱) حوادث خارق‌العاده در آن جریان داشته باشد.
(۲) زمینه‌ی قهرمانی داشته باشد.
(۳) عاطفی و احساسی باشد.
(۴) روایی و داستانی باشد.

کوه‌های رازخواه

سراسری



(السائل ۸۹)

58- همه‌ی ابیات، به‌استثنای بیت پاسخ مثبت مردم به دعوت کاوه تحت عنوان بیت زیر است:

«بیوید کاین مهتر آهرمن است
(۱) چو کاوه برون آمد از پیش شاه
(۲) سوی لشکر آفریدون شدند
(۳) هم آن‌گه یکایک ز درگاه شاه
(۴) همی‌رفت پیش اندرون مردگرد
جهان‌آفرین را به دل دشمن است
بر او انجمن گشت بازارگاه
ز نیرنگ ضحاک بیرون شدند
برآمد خروشیدن دادخواه
سپاهی بر او انجمن شد نه خرد

(ریاضی ۸۹)

59- کدام بیت بیان‌گر فضای حکومتی «ضحاک» می‌باشد؟

- (۱) ز فکر تفرقه بازای تا سوی مجموع
(۲) رند عالم‌سوز را با مصلحت بینی چه کار؟
(۳) خلوت دل نیست جای صحبت اضداد
(۴) پری نهفته رخ و دیو در کرشمه‌ی حسن
به حکم آن‌که چو شد اهرمن، سروش آمد
کار ملک است آن‌که تدبیر و تأمل بایش
دیو چو بیرون رود فرشته درآید
بسوخت دیدم: حیرت‌که این چه بوالعجبی (= امر تعجب‌آوری) است؟

(هنر ۸۹)

60- بیت زیر بیان‌گر فرجام کار به دست است.

- «به آزه‌ش سراسر به دو نیم کرد
(۱) فریدون - ضحاک
(۲) ضحاک - فریدون
جهان را از او پاک بی‌بیم کرد
(۳) ضحاک - کاوه
(۴) جمشید - ضحاک

(بیا ۸۹)

61- همه‌ی ابیات، به‌جز بیت با ابیات زیر قرابت معنایی دارند.

«جهل و بی‌باکی شده فاش و حلال
واژگونه کرده عالم پوستین
(۱) نهان گشت آیین فرزندگان
(۲) هنر خوار شد جادویی ارجمند
(۳) به یزدان هر آن‌کس که شد ناسپاس
(۴) شده بر بدی دست دیوان دراز
دانش و آزادگی گشته حرام
رادمردان بنندگان را گشته رام
پراکنده شد نام دیوانگان
نهان راستی آشکارا گزند
به دلش اندر آید ز هر سو هراس
ز نیکی نبودی سخن جز به راز

(شایع از کشور ۸۹)

62- در ابیات زیر به‌ترتیب چه کسانی معرفی شده‌اند؟

- منم پور آن نیک‌بخت آبتین
یکی بی‌زیان مرد آهنگرم
منی کرد آن شاه یزدان‌شناس
(۱) سیاوش - کاوه - ضحاک
(۲) فرود - زواره - ضحاک
که ضحاک بگرفت از ایران‌زمین
ز شاه آتش آید همی بر سرم
ز یزدان بیچید و شد ناسپاس
(۳) فریدون - کاوه - جمشید
(۴) فریدون - فرود - جمشید

(هنر ۸۸)

63- کدام گروه از ابیات مفهومی مشترک دارند؟

- (الف) منسوخ شد مروّت و معدوم شد وفا
(ب) اگر هفت کشور به شاهی تو راست
(ج) هنر خوار شد جادویی ارجمند
(د) همه سوی دوزخ نهادید روی
(ه) گشته‌ست بازگونه همه رسم‌های خلق
(۱) الف - ج - ه
(۲) الف - د - ه
وز هر دو نام ماند چو سیمرغ و کیمیا
چرا رنج و سختی همه بهر ماست؟
نهان راستی، آشکارا گزند
سپردید دل‌ها به گفتار اوی
زین عالم نبهره (= فرومایه) و گردون بی‌وفا
(۳) ب - ج - د
(۴) ب - الف - ه

(شایع از کشور ۸۷)

64- بیت «بسیار منی کرد و ز تقدیر نترسید/ بنگر که از این چرخ جفاپیشه چه برخاست» با کدام بیت تناسب مفهومی ندارد؟

- (۱) منی چون بیبوست با کردگار
(۲) حجت، تو منی را ز سر خویش به در کن
(۳) دعوی مکن که برترم از دیگران به علم
(۴) کسی در آینه رویی بدین صفت بیند
شکست اندر آورد و برگشت کار
بنگر به عقابی که منی کرد چه‌ها خاست
چون کبر کردی از همه دونان فروتری
کند هر آینه جور و جفا و کبر و منی



- 65- بیت «نهان گشت آیین فرزنانگان / پراگنده شد نام دیوانگان» با مفهوم همه‌ی ابیات، به‌جز بیت متناسب است. (هزار ۸۵)
- (۱) جهّال در تنعم و ارباب فضل را
(۲) دانا بمانده در غم تدبیر روزی‌اش
(۳) جاهل به مسند اندر و عالم برون در
(۴) این کارها به حکمت یزدان مقدر است
- با صد هزار غصه یکی نان نمی‌رسد
یک ذره غم به خاطر نادان نمی‌رسد
جویید کلید و راه به دربان نمی‌رسد
کس در رموز حکمت یزدان نمی‌رسد
- 66- «منی چون بیبوست با کردگار / شکست اندر آورد و برگشت کار» یعنی: (ریاضی ۸۳ و کلیه‌ی رشته‌ها ۷۶)
- (۱) چون خودخواهی و خودبینی او به جایی رسید که ادعای خدایی کرد، بدبخت شد.
(۲) غرور را با خداپرستی در هم آمیخت و به همین سبب در برابر شیطان نفس مغلوب گشت.
(۳) هنگامی که غرور و خودخواهی او را به آفریدگاری رساند، از ادعاهای خودش برگشت.
(۴) هوا و هوس، انگیزه و سبب شکست او در برابر خواهش‌های نفسانی‌اش شد.
- 67- معنی بیت «هم آن‌که یکایک ز درگاه شاه / برآمد خروشیدن دادخواه» چیست؟ (تجربی ۸۱ و سلفش ۸۱)
- (۱) بعد از آن به آرامی، نوای عدل و دادگری از همه جا به گوش درباریان رسید.
(۲) در آن لحظه ناگهان فریاد اعتراض ستم‌دیده‌ای از کاخ شاه بلند شد.
(۳) در آن زمان پشت سر هم برای عدالت‌خواهی از بارگاه شاه به در آمدند.
(۴) سپس، اندک‌اندک شاکیان به بارگاه حاکم درآمدند.
- 68- با توجه به «شاهنامه»ی فردوسی، پدر فریدون که بود و به چه سرنوشتی گرفتار آمد؟ (تجربی و هزار ۷۹)
- (۱) آبتین - مغز سرش غذای ماران شد.
(۲) سیاوش - در سرزمین غربت کشته شد.
(۳) کیخسرو - به مرگ طبیعی درگذشت.
(۴) کاووس - در سوگ سیاوش جان سپرد.
- آزمایشی سنجش**
- 69- مصداق کلام سعدی «هر که دست از جان بشوید، هر چه در دل دارد بگوید.» در همه‌ی ابیات، به‌جز بیت مشهود است. (سلفش ۹۰)
- (۱) یکی بی‌زیان مرد آهنگرم
(۲) شماریت با من ببايد گرفت
(۳) اگر هفت کشور به شاهی تو راست
(۴) بدو گفت مهتر به روی دژم
- ز شاه آتش آید همی بر سرم
بدان تا جهان مانند اندر شگفت
چرا رنج و سختی همه بهر ماست؟
که برگوی تا از که دیدی ستم؟
- 70- در بیت «هم آن‌که یکایک ز درگاه شاه / برآمد خروشیدن دادخواه» معنی «یکایک» چیست؟ (سلفش ۸۸)
- (۱) پشت سر دیگری
(۲) پی در پی
(۳) ناگهان
(۴) به تنهایی
- 71- در کدام گزینه معنی واژه‌ی «یکایک» مترادف با معنی این واژه در بیت زیر است؟ (سلفش ۸۸)
- «هم آن‌که یکایک ز درگاه شاه»
(۱) دبیر آن زمان پند و فرمان شاه
(۲) یکایک به نوبت همی بگذریم
(۳) یکایک برآمد ز جای نشست
(۴) این کارهای من که گره در گره شده‌ست
- برآمد خروشیدن دادخواه
یکایک همی خوانند پیش سپاه
سزدگر جهان را به بد نسپریم
گرفت آن گران کرسی زر به دست
بگشاد می یکایک اگر چیره‌دستی
- 72- در کدام بیت آرایه‌ی «اغراق» به کار نرفته است؟ (سلفش ۸۸ و ۸۵)
- (۱) ببارید چون ژاله ز ابر سیاه
(۲) یکی تازی‌ای برنشسته سیاه
(۳) پراگنده کافور بر خویشتن
(۴) جهانی به پای اندر آرد به تیغ
- کسی را نبند بر زمین جایگاه
همی خاک نعلش برآمد به ماه
چنان چون بود رسم و ساز کفن
نهد تخت شاه از بر پشت میغ (= ابر)
- 73- در کدام بیت آرایه‌ی «کنایه» به کار نرفته است؟ (سلفش ۸۷)
- (۱) کسی کاه هوای فریدون کند
(۲) نهان گشت آیین فرزنانگان
(۳) همان کاه آن بر سر نیزه کرد
(۴) خروشید و برجست لـرزان ز جای
- سر از بند ضحاک بیرون کند
پراگنده شد نام دیوانگان
همان‌گه ز بازار برخاست گرد
بدریید و بسپرد محضر به پای



(سئمش ۸۷ و ۷۶)

چو خسرو شدی، بندیگی را بکوش
(۲) وقتی به حکومت رسیدی، در برابر خداوند بندیگی کن.
(۴) وقتی پادشاه شدی، برای بندگان و زیردستان خود کوشش کن.

(سئمش ۸۷)

ز نیکی نبودی سخن جز به راز
(۲) ابراز نیکی در جامعه وجود نداشت.
(۴) کسی جرأت افشای حق را نداشت.

(سئمش ۸۶ و ۸۱)

سبک سوی پیران آن کشورش
بریده دل از ترس گیهان خدیو
الا یا دستگیر مرد فاضل
سبک‌سنگ، لیکن بهایش گران
بد روز بر من سبک‌تر شود
سبک ز خاصیتش کوه را برآید پر

(سئمش ۸۶)

نه هرگز براندیشم از پادشاه
که شاهها منم کاوه‌ی دادخواه
بایند بدین داسستان داوری
که برگوی تا از که دیدی ستم

(سئمش ۸۶)

شکست اندر آورد و برگشت کار
به داد و دهش تنگ بسته کمر
به دلش اندر آید ز هر سو هراس
بگشت و جهان شد پر از گفت‌وگوی

(سئمش ۸۶)

بریدیم و بستیم با دیو رای
که بر مرز بگذشت بدخواه من
مگر نو کنم آرزوی کهن
جهان‌آفرین را به دل دشمن است

(سئمش ۸۵)

که به دانش چو تو نشان ندهند
به غلط ره بر آستان ندهند
اهل دل را به جان امان ندهند
قوت یک شب به نیکوان ندهند

(سئمش ۸۴)

بریده دل از ترس گیهان خدیو
کز این کوه آتش نیابیم تپش
نه هرگز براندیشم از پادشاه
خود ایسدر زمانی درنگ آوریم

(سئمش ۸۴)

ز شاه آتش آید همی بر سرم
دل شاه از اندیشه یابید گزند
بفزاید ای شاه مقدر تو
که شاهها، منم کاوه‌ی دادخواه

74- معنی مصراع دوم بیت زیر چیست؟

«چه گفت آن سخن‌گوی با فرّ و هوش

- (۱) وقتی به مقامی رسیدی، در برابر خلق تواضع کن.
- (۳) وقتی صاحب مقام شدی، تلاش کن تا بندگان خدا را بنوازی.

75- مفهوم مصراع دوم بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟

«شده بر بدی دست دیوان دراز

- (۱) افراد نیکوکار وجود نداشتند.
- (۳) نیکی کردن هیچ ارزشی نداشت.

76-

با توجه به ابیات زیر، معنی واژه‌ی «سبک» در کدام گزینه تکرار شده است؟

«چو برخواند کاوه همه محضرش

خروشید کای پایمردان دیو

- (۱) نجیب (=اسب) خویش را گفتم سبک‌تر
- (۲) چو یاقوت باید سخن بی‌زبان
- (۳) مگر با من او چون برادر شود
- (۴) وگر فضایل طبعش به کوه برشمرد

77-

با توجه به داستان کاوه‌ی دادخواه از کدام بیت مفهوم «تظلم و دادخواهی» برمی‌آید؟

- (۱) نباشم بدین محضر اندر گوا
- (۲) خروشید و زد دست بر سر ز شاه
- (۳) تو شاهای و گراژده‌اپیکری
- (۴) بدو گفت مهتر به روی دژم

78-

همه‌ی ابیات، به جز بیت وصفی از «خودبینی و ناسپاسی جمشید» است.

- (۱) منی چون بیبوست با کردگار
- (۲) به فرمان یزدان پیروزگر
- (۳) به یزدان هر آن کس که شد ناسپاس
- (۴) چو این گفته شد فرّ یزدان از اوی

79-

در کدام بیت کاوه مردم را به «قیام علیه ضحاک» فرا می‌خواند؟

- (۱) بگویند کز پاک یزدان خدای
- (۲) بیایند یکسر به درگاه من
- (۳) بگویند گستاخ با من سخن
- (۴) ببینید کاین مهتر آهرمن است

80-

بیت «هنر خوار شد، جادویی ارجمند / نهان راستی، آشکارا گزند» با کدام بیت قرابت مفهومی ندارد؟

- (۱) با خرد گفتم ای مدبّر کار
- (۲) سفله بر صدر و اهل دانش را
- (۳) به خسیسان دهند نعمت و نیاز
- (۴) کج‌روان را دهند خرمن‌ها

81-

قسمت مشخص شده در کدام گزینه به معنی «توجه نکردن و باور نداشتن» است؟

- (۱) خروشید کای پایمردان دیو
- (۲) به نیروی یزدان نیکی‌دهش
- (۳) نباشم بدین محضر اندر گوا
- (۴) بر این رمگه‌شان به جنگ آوریم

82-

در کدام گزینه مفهوم «آزار دیدن» نیامده است؟

- (۱) یکی بی‌زبان مرد آهنگرم
- (۲) که هرچند فرزند هست ارجمند
- (۳) اگر داد دادن بود کار تو
- (۴) خروشید و زد دست بر سر ز شاه



- 83- بیت «منی چون پیوست با کردگار / شکست اندر آورد و برگشت کار» با کدام گزینه ارتباط معنایی بیش تر دارد؟ (سلبش ۸۴)
- (۱) چو بخشایش پاک یزدان بود
(۲) بیوید کاین مهتر آهرمن است
(۳) چه گفت آن سخن گوی با فرّ و هوش
(۴) به یزدان هر آن کس که شد ناسپاس
- دم آتش و آب یکسان بود
جهان آفرین را به دل دشمن است
چو خسرو شدی، بندگی را بکوش
به دلش اندر آید ز هر سو هراس
- 84- پرورش یافتن فریدون در غار به هنگام کودکی شبیه پرورش یافتن کدام پیامبر بزرگ الهی است؟ (سلبش ۸۴)
- (۱) حضرت موسی (ع) (۲) حضرت ابراهیم (ع) (۳) حضرت سلیمان (ع) (۴) حضرت محمد (ص)
- 85- «تو شاهی و گر ازدها پیکری / ببايد بدین داستان داوری» یعنی: ای پادشاه (سلبش ۸۳)
- (۱) باید معلوم شود که تو پادشاه عادل هستی یا ازدهای هول انگیز.
(۲) تو در این داستان در نقش پادشاهی هول انگیز ظاهر شده‌ای.
(۳) صاحب هر مقام و منزلتی که هستی، باش. به شکایت من علیه تو، باید رسیدگی شود.
(۴) باید نقد و بررسی شود که نقش پادشاه در این قصه چگونه بوده است.
- 86- آرایه «تضاد» در کدام بیت بیش تر است؟ (سلبش ۸۳)
- (۱) شده بر بدی دست دیوان دراز
(۲) نهان گشت آیین فرزندگان
(۳) بدان بی بها ناسزاوار پوست
(۴) هنر خوار شد، جادویی ارجمند
- ز نیکی نبودی سخن جز به راز
پراگنده شد نام دیوانگان
پدید آمد آوای دشمن ز دوست
نهان راستی، آشکارا گزند
- 87- مفهوم کدام بیت با مفهوم «دیو چو بیرون رود فرشته درآید» متناسب است؟ (سلبش ۸۳)
- (۱) به یزدان هر آن کس که شد ناسپاس
(۲) کسی کاه و هوای فریدون کند
(۳) منی چون بیوست با کردگار
(۴) همی برخوردشید و فریاد خوانند
- به دلش اندر آید ز هر سو هراس
سر از بند ضحاک بیرون کند
شکست اندر آورد و برگشت کار
جهان را سراسر سوی داد خوانند
- 88- کدام دو کلمه مترادف نیستند؟ (سلبش ۸۳ و ۸۱)
- (۱) محضر - مظهر (۲) آبرن - حوضچه (۳) دادپیشگی - عدالت (۴) خوالیگر - خورشگر
- 89- با توجه به مفهوم بیت «خروشید و برجست لرزان ز جای / بدرید و بسپرد محضر به پای» به کدام یک از حالات «کاوه» اشاره نشده است؟ (سلبش ۸۳)
- (۱) خشم (۲) ترس (۳) شجاعت (۴) اعتراض
- 90- «نهان گشت آیین فرزندگان / پراگنده شد نام دیوانگان» یعنی: (سلبش ۸۲)
- (۱) خیرخواهان جامعه از ترس نابردان، از کشور گریختند.
(۲) همه‌ی مردم، گرفتار تشویش و تفرقه بودند.
(۳) شیوه‌ی خردمندان متروک شد و بی‌خردان نام‌آور و مشهور شدند.
(۴) دیوانها در همه‌ی شهرها پراکنده شدند و خردمندان محبوس شدند.
- 91- در بیت «هنر خوار شد، جادویی ارجمند/ نهان راستی، آشکارا گزند» به همه‌ی ویژگی‌های اجتماعی حکومت ظلم، به جز اشاره شده است. (سلبش ۸۲)
- (۱) بی‌اعتنایی به کار و دانش (۲) گسترش فقر و بینوایی مردم
(۳) اعتبار یافتن دغل و دروغ (۴) تجاوز و تعدی علنی به حقوق مردم
- 92- نخستین چاره‌اندیشی مردم در مقابل بیداد ضحاک چه بود؟ (سلبش ۸۲)
- (۱) نجات دادن فریدون (۲) قیام فریدون علیه ضحاک
(۳) قیام کاوه علیه بیداد پادشاه و رفتن او به یاری فریدون (۴) قیام دو تن مرد پارسا به خوالیگری و بر عهده گرفتن خورش‌خانه‌ی ضحاک
- 93- مفهوم بیت «چه گفت آن سخن گوی با فرّ و هوش / چو خسرو شدی بندگی را بکوش» کدام است؟ (سلبش ۸۱)
- (۱) از تن‌آسانی و کاهلی دوری کن (۲) تواضع ز گردن‌فرازان نکوست
(۳) تو از تیرگی روشنایی مجوی (۴) هرگز نخورد آب زمینی که بلند است
- 94- «مهتر» در بیت «بدو گفت مهتر به روی دژم / که برگوی تا از که دیدی ستم» کیست؟ (سلبش ۸۱)
- (۱) ضحاک (۲) فریدون (۳) کاوه (۴) موبد

- 95- همه‌ی ابیات زیر، به جز بیت تصویری از چیرگی ظلم در محیطی است که پادشاه بیدادپیشه به وجود آورده بود. (سئیش ۷۹)
- (۱) نهان گشت آیین فرزندگان
(۲) هنر خوار شد جادویی ارجمند
(۳) زبان درکش ای مرد بیساردان
(۴) شده بر بدی دست دیوان دراز
- پراگنده شدند نسام دیوانگان
نهان راستی، آشکارا گزیند
که فردا قلم نیست بر بی‌زبان
ز نیکی نبودی سخن جز به راز

درآمد بر ادبیات غنایی

درس چهارم:

سراسری



- 96- در قرن پنجم شاعرانی نظیر و به سرودن منظومه‌های عاشقانه پرداختند، ولی کمال این نوع شعر را باید در آثار جست‌وجو کرد. (باب ۹۱)

- (۱) عنصری، رودکی، نظامی
(۲) نظامی، عیوقی، فخرالدین اسعد گرگانی
(۳) فخرالدین اسعد گرگانی، نظامی، عیوقی
(۴) فخرالدین اسعد گرگانی، عیوقی، نظامی

- 97- غیر از نوع نثر هر دو اثر، غنایی است. (باب ۸۷)

- (۱) «یکی بود، یکی نبود» از جمال‌زاده - «مدیر مدرسه» از جلال آل احمد
(۲) «روزها» از دکتر اسلامی ندوشن - «خسی در میقات» از جلال آل احمد
(۳) «هزار و یک شب» از عبداللطیف طسوجی - «سفرنامه» از ناصر خسرو
(۴) «شرح زندگانی من» از عبدالله مستوفی - «ابومسلم‌نامه» از ابوطاهر طرسوسی

- 98- کدام گروه از شاعران، منظومه‌های عاشقانه‌ای سروده‌اند که با شعر نمایشی در ادب اروپا برابری می‌کند؟ (فاز از کشور ۸۳)
- (۱) رودکی - ناصر خسرو
(۲) فرخی - منوچهری دامغانی
(۳) عنصری - فخرالدین اسعد گرگانی
(۴) حافظ - رضی‌الدین آرتیمانی

آزمایشی سنجش



- 99- کتاب «هزار و یک شب» اثر کیست؟ (سئیش ۸۹)

- (۱) فرامرز بن خداد ازجانی
(۲) جلایی هجویری
(۳) عبداللطیف طسوجی
(۴) ابوطاهر طرسوسی

- 100- مطالب کدام گزینه برای نوشتن در جاهای خالی متن زیر، به ترتیب مناسب است؟ (سئیش ۸۹)

«شروع شعر عاشقانه را باید قرن چهارم دانست. در قرن ، تغزل در شعر فرخی کمال می‌یابد و رفته‌رفته غزل به عنوان یک نوع خاص مورد توجه شاعران - از جمله قصیده‌سرایان - قرار می‌گیرد. از اوایل قرن ششم، عرفان و اصطلاحات صوفیه با پیش‌گامی ، به حوزه‌ی غزل راه می‌یابد و نوع عارفانه‌ی آن، محصول این قرن است.»

- (۱) پنجم - سنایی
(۲) ششم - نظامی
(۳) هفتم - مولوی
(۴) هشتم - حافظ

- 101- «مناجات‌نامه‌ها» جزء ادبیات محسوب می‌شوند. (سئیش ۸۶)

- (۱) تعلیمی
(۲) غنایی
(۳) توصیفی
(۴) داستانی

- 102- مرثیه‌ها جزء ادبیات محسوب می‌شوند. (سئیش ۸۶)

- (۱) حماسی
(۲) پایداری
(۳) غنایی
(۴) انقلاب اسلامی

- 103- عرفان و اصطلاحات صوفیه با پیش‌گامی کدام شاعر و در چه قرنی به حوزه‌ی غزل راه یافت؟ (سئیش ۸۵ و ۸۳، سراسری کلیه‌ی رشته‌ها ۷۶)

- (۱) سنایی - ششم
(۲) رودکی - چهارم
(۳) مولوی - هفتم
(۴) فرخی - پنجم

- 104- کدام منظومه‌ی قرن ششم هجری را می‌توان با شعر نمایشی اروپا برابر دانست؟ (سئیش ۸۵)

- (۱) «لیلی و مجنون» جامی
(۲) «خسرو و شیرین» نظامی
(۳) «منطق‌الطیر» عطار نیشابوری
(۴) «ویس و رامین» فخرالدین اسعد گرگانی

- 105- یکی از داستان‌های منظوم کدام شاعر را در قرن ششم، می‌توان با شعر نمایشی در ادب اروپا برابر دانست؟ (سئیش ۸۳)

- (۱) «لیلی و مجنون» نظامی
(۲) «یوسف و زلیخا» جامی
(۳) «مخزن‌الاسرار» نظامی
(۴) «لیلی و مجنون» جامی

- 106- کدام گزینه برای جاهای خالی مناسب است؟ «در قرن پنجم شاعرانی چون عنصری و عیوقی به سرودن منظومه‌های عاشقانه پرداختند، ولی کمال این نوع شعر را باید در آثار ، شاعر قرن ، جست‌وجو کرد.» (سئیش ۸۱)

- (۱) نظامی - ششم
(۲) حافظ - هشتم
(۳) سعدی - هفتم
(۴) اسعد گرگانی - ششم